اعتماد

یکشنبه ۲۴ مهر ۱۴۰۱
۱۹ ربیع‌الاول ۱۴۴۴
۱۶ اکتبر ۲۰۲۲
سال بیستم
شماره ۵۳۲۵
۱۲ صفحه
۱۰۰۰۰ تومان

ETEMAD Sun □ 16 Oct 2022 □ vol.20 □ No. 5325 □ 12 Pages □ 100000 Rials

طیبه سیاووشی در گفت‌وگو با «اعتماد»
در خصوص پیش‌نیازهای گفت‌وگو مطرح کرد

پیش‌شرط گفت‌وگو، آزادی معترضین، دانشجویان، دانش‌آموزان و خبرنگاران است

۲

لزوم بازنگری در سازوکارهای چهار دهه اخیر هنرهای نمایشی در گفت‌وگو با ناصر حسینی‌مهر

هنر، جولانگاه سیاستمداران نیست

۴

گفت‌وگو با قباد آذرآیین، نویسنده درباره کارکرد اجتماعی داستان

هنر نمی‌تواند به نابسامانی‌ها معترض نباشد

۹

یادداشتی از سید علی میرفتاح درباره حوادث اخیر کشور

حکومت مقدار معتنابهی دلجویی تلمبار شده به ملت بدهکار است

ترس اصلی در برابر دو دل پیرزنان و پیرمردانی است که در حق‌شان جفا صورت گرفته

یک. دل به امید صدایی که مگر در تو رسد/ناله‌ها کرد در این کوه که فرهاد نکرد

دو. با یک قصه قرآنی شروع کنم من‌باب براعت استهلال. کلیم‌الله علیه‌السلام به قصد قربت، پیروانش را سی روز رها کرد و به میقات رفت. خداوند ده روز بر اعتکاف نبی‌اش بیفزود، بین امت و امام یک اربعین فاصله انداخت. سامری و دیگر اعاظم بنی‌اسرائیل همین غیبت را بهانه کردند، از خدای نادیدنی روبرگرداندند، به گوساله طلایی مشغول شدند. اگرچه سحر با معجزه پهلو نزند اما الحق والانصاف بنی‌اسرائیل عجلی ساختند که تماشایش کلاه از سر عقل می‌انداخت. خرابش نمی‌کردند در فهرست عجایب جهان می‌گنجید: صدا می‌داد، برق می‌زد، آغشته به ردپای جبرئیل بود، مغناطیسی داشت که بزرگ و کوچک را به خود می‌کشاند... هارون، وزیر موسی که برادرش بود، به اعتقاد مسلمان‌ها نبی هم بود، هر چه کرد و هر چه گفت نتوانست بیرق توحید را الاقل تا مراجعت اخوی برافراشته نگه دارد. تهدید و تشویقش کارساز نیفتاد، آه گرمش در آهن سرد سامری و اذنابش اثر نکرد. عاقبت، ناچار به شرک بنی‌اسرائیل تن داد. موسی که آمد، از دیدن چنین ارتجاعی خشمگین شد، آه از نهادش برآمد. ریش هارون را در مشت گرفت و ملامتش کرد. دوسر سوخته‌ها وضع و حال هارون را بیشتر و بهتر از بقیه درک می‌کنند: مغضوب دو طرف؛ بدهکار دو طرف؛ وامانده از دو طرف و... جواب «ها»ی موسی، «هو»ی هارون است که نه فقط شنیدنی که قابل تامل است. او موسی را نه نبی صدا می‌زند، نه برادر، نه کلیم، بلکه می‌گوید «ای پسر مادرم...». برادران جنگ کنند ابلهان باور، مع‌الوصف تاکید قرآن مجید بر جزئیات این مشاجره، سطح و اهمیت بحث را یادآورمان می‌شود. بنی‌اسرائیل بت‌پرستند یا خدای احد واحد را نمی‌گویم مهم نیست، مهم است، اما، اما و هزار اما، بنی‌اسرائیل که سهل است، گر جمله کائنات کافر گردند، بر دامن کبریاش ننشیند گرد. فلذا در این ماجرا حقیقت دیگری نهفته است و دعوای این دو نبی، به چیزی سهمگین‌تر از عقبگرد یهودیان متواری از مصر راجع است. به جواب هارون دقت کنید: «ای پسر مادرم، ریشم را رها کن، سرم را مگیر و با من درشتی مکن. من ترسیدم که بگویی بین بنی‌اسرائیل تفرقه انداختی و سخن مرا پاس نداشتی.» سخت نیست که از سیاق آیه بفهمیم سخن موسی قبل از چله‌نشینی‌اش چه بوده که هارون می‌گوید ترسیدم بگویی آن را پاس نداشتی. نه فقط موسی، بلکه هر مرادی از تفرقه مریدانش می‌ترسد و از پاره‌پاره شدن یارانش بیمناک است. هارون در غیاب موسی وقتی زورش به گوساله و گوساله‌پرستان نمی‌رسد، وقتی تمهیداتش موثر نمی‌افتد، بنا بر مصلحت عمل می‌کند، برای جلوگیری از افسدی چون تفرقه، سامری فاسد را ندیده می‌انگارد. پیداست که شب‌های زیادی با خود کلنجار رفته، ماجراها و حرف‌ها را سبک سنگین کرده، دستورات موکد موسی را سرلوحه خود قرار داده، الاهم و فی‌الاهم کرده، دست آخر وحدت امت را بالای سر توحید نشانده. اشتباه نشود. من نه مفسر قرآنم و نه چنین استنباطی از این کمترین پذیرفته است. اتفاقا من به تفسیر حجت‌الاسلام قرائتی مراجعه کردم و تلویحا از زبان ایشان سخن گفتم. تفسیر آقای قرائتی قولی در میان اقوال نیست بلکه جایگاه طولانی‌اش در رسانه ملی به ما می‌فهماند که فهم و قرائت او از قرآن نزدیک‌ترین فهم و قرائت است به حاکمیت. بگذارید درست‌تر طرح بحث کنم تا روشن شود که چرا یادداشتم را با ماجرای گوساله سامری سرانداختم. بنیانگذار جمهوری اسلامی را عقیده بر این بود که حفظ نظام از اوجب واجبات است و بخصوص در یادداشت‌های اواخر عمرشان تصریح کردند که ولی فقیه می‌تواند احکام اولیه را بنا به مصالحی تعطیل کند. یکی از این مصالح که آقای قرائتی در تفسیر خود بدان اشاره می‌کنند همین وحدت امت است. کافی است در آرشیو تلویزیون سرچ کنید تا تفسیر آیه ۹۴ سوره طه را بشنوید و بدانید که وحدت از توحید هم ضروری‌تر است. این سخن معارضان و منتقدانی هم دارد. از جمله جناب استاد ملکیان به شدت با این نوع وحدت مسئله دارند صریحا هم آن را گفته‌اند. علمای دیگر هم نظر مخالفشان را کتمان نکرده‌اند اما چیزی که در این بحث برای ما مهم است گرایش اصلی حکومتی است که پس از تجربه‌ای هشت-ده ساله، برای عبور از موانع فقهی و شرعی شورای تشخیص مصلحت بنا گذاشت. حوصله کنید یک‌بار دیگر نامه امام را به رییس جمهور وقت بخوانید تا بدانید دایره مصلحت در ذهن ایشان چه شعاعی داشته و تا کجا پیش می‌رفته. وقتی حکومت نسبت به توحید و حج و بعضی شعائر اسلامی چنین موضعی داشته باشد آیا سخت است که حجاب را در مسیر تازه‌ای بیندازد و چنین مهمی را در پای اهمی که قوام حکومت به آن بند است ندیده بینگارد؟ من نه فقیهم و نه اصلا در این باب بحث فقهی می‌کنم. اشاره‌ام به بحث تفسیری قصه بنی‌اسرائیل هم صرفا از این باب بود که بگویم در ذهن بنیانگذار جمهوری اسلامی اختیار حاکم تا کجاست و ارزش و اهمیت مصلحت از چه درجه‌ای برخوردار است. فلذا نه تنها بن‌بستی نیست بلکه می‌توان برای پرهیز از تفرقه و رسیدن به وحدت کلمه از هر مانع و رادعی گذشت. اگر بخواهید حقیقت مسئله حجاب را در جمهوری اسلامی دریابید لازم است گزارش‌های پژوهشی معتبر را ببینید تا حقیقت سهمناک آن برایتان آشکار شود.

سه. آیا جمهوری اسلامی حکومتی ایدئولوژیک است و در سیاست‌ها و برنامه‌هایش عقیده را بر مصالح و منافع ملی ترجیح می‌دهد؟ مهم‌ترین حرفی که منتقدان جمهوری اسلامی می‌گویند همین است که اینجا منافع و مصالح ایران در پای ایدئولوژی قربانی می‌شود. اماره‌ها و نشانه‌هایی هم وجود دارد که ارزش و اهمیت ایدئولوژی دینی/اسلامی/شیعی را یادآور می‌شود. اما اگر به عنوان یک ناظر بی‌طرف به سیاست‌ها و روش‌ها و شعارهای نظام نگاه کنید اتفاقا می‌بینید که تا حدود زیادی با حکومتی واقع‌گرا بلکه عملگرا روبرو هستید. خاصه در مناسبات بین‌المللی چندان خبری از بایدها و نبایدهای ایدئولوژیک نیست. در این وادی جمهوری اسلامی نه تنها با غیر شیعیان دست برادری می‌دهد بلکه متحد غیر مسلمان‌ها، یک پله بالاتر متحد خدانشناس‌ها هم هست.

من به عنوان یک ایرانی در این زمینه حکومت را برای عملگرابودن تحسین می‌کنم و از اینکه فرضا به دام اسلامگرایان منطقه نمی‌افتد خوشحالم. همین اتحاد ژئوپلتیک ایران با چین کمونیست و روسیه خدانشناس و ونزوئلای چپ خود گواه آن است که حکومت مصالح دیگری را بر گرایش‌های عقیدتی ترجیح می‌دهد. فقط بحث اتحاد با چپ‌ها نیست. همین جمهوری اسلامی، بیست سال جلوتر از این با امریکا همدستی کرد که صدام و طالبان را کنار بزند. نمونه‌های دیگری هم در خاطرم هست که موید این ادعاست که این نظام چندان هم ایدئولوژیک رفتار نمی‌کند. عرض من این نیست که سیاست بین‌المللی جمهوری اسلامی خبط و خطاندارد و بر منهج صحیحی پیش می‌رود. نه. موقعیتش پیش بیاید من هم آن‌قدری که عقلم می‌رسد، به سهم خود به این سیاست‌ها منتقدم. مع‌الوصف عملگرا بودنش را می‌ستایم و امیدوار در مواجهه با رو پا و هم همین‌قدر واقع‌بین و پراگماتیست باشد. اما انتقاد اصلی‌ام به نظام این است که چرا در داخل مرزها مصلحت‌اندیشی نمی‌کند و چرا علی‌رغم انذارهای دلسوزانه و سابقه و واقعیت عیان این سرزمین همه چیز را با شدت و غلظت رنگ ایدئولوژی می‌زند. در داخل چنان دوز ایدئولوژی را بالا برده‌اند که در این سال‌های اخیر ناچار مرحوم هاشمی را هم از قطار انقلاب به بیرون انداخته‌اند. جایی که هاشمی از انقلاب طرد شود آیا جایی برای دختران شل‌حجاب می‌ماند؟

ادامه در صفحه ۱۰

عضو مجمع نمایندگان استان اردبیل درباره حوادث این شهر:

روایت مردم با روایت مسوولان تفاوت دارد

۲

قیمت خودرو در نیمه اول سال چه تغییری کرد؟

افزایش قیمت‌ها در بازار را کد خودرو

۸

گفت‌وگوی «اعتماد» با «مولوی عبدالغفار نقشبندی» در خصوص ادعای دختر ۱۵ ساله در سیستان و بلوچستان

ماجرای نا تمام دختر بلوچ

عبدالصمد خرمشاهی حقوقدان: افراد خصوصا دختربچه‌ها در مناطق محروم از جمله بلوچستان جرات نمی‌کنند مساله‌ای را عنوان کنند آن هم علیه پلیس

۱۱

آسیب‌شناسی اوضاع کشور در گفت‌وگو با عباس عبدی

ما با بحران متقاطع روبه‌رو هستیم

این بحران اقتصادی نیست، سیاسی، فرهنگی بین‌المللی هم هست که انباشته شده

۵و۶و۷

مهرداد آلادین/اعتماد آنلاین

تیتر اول

همراهی با خواست مردم نامش عقب‌نشینی نیست

آذر منصوری

فاجعه مرگ غم مهسا امینی همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد و هشدارهای مکرر داده شده بود، مانند جرقه‌ای عمل کرد که آتش زیر خاکستر خشم و اعتراضی فراگیر را بر افروخت و شعله‌ور ساخت. بسیاری از ناظران و تحلیلگران عمدتا حکومتی با توجه به تجربه جنبش‌ها و اعتراضات قبلی به خصوص اعتراضات دی ماه ۹۶ و آبان ۹۸ تصور می‌کردند که این جنبش هم در همان فاصله زمانی فروکش خواهد کرد و با این استدلال به جای پذیرش اصل اعتراض و موضوع مورد مطالبه معترضان باز هم معترضان را عوامل داخلی دشمنان نامیدند و بنا بر این تحلیل مجوز برخورد و بازداشت معترضان را صادر کردند. در حالی که ناگفته پیداست با توجه به موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی ایران امروز که در این نوشته مجالی برای طرح آن نیست، مخالفان ایران سعی می‌کنند، هر اعتراضی که در ایران اتفاق می‌افتد را به نفع اهداف خود مصادره کنند و این اعتراض هم طبعا از این قاعده مستثنی نیست، اما این موضوع نباید موجب شود که صدای هر اعتراضی با این اتهام خاموش شود. هر چند برخی اخبار و شواهد تایید نشده از دخالت لباس شخصی‌ها در به آشوب کشیدن اعتراض‌ها دلالت دارد و هیچ یک از مقامات هم تاکنون توضیح نداده‌اند که جایگاه حقوقی لباس شخصی در دستگاه نظامی و انتظامی جمهوری اسلامی ایران چیست و چه نهادی به آنها مجوز این رفتارها را داده است؟ با همه اینها، اعتراضات داخلی و بین‌المللی به مرگ مهسا امینی که در قالب شعار زن، زندگی، آزادی به یکی از فراگیرترین اعتراض‌های تاریخ چند دهه اخیر تبدیل شده است، همچنان ادامه دارد. شاید کمتر کسی تصور می‌کرد نظامی که آمده بود تا به زنان کرامت بخشد و جایگاه حقوقی و انسانی آنها را ارتقا دهد و حضور آنها را در مقدرات اساسی مملکت فراهم کند، پس از ۴۳ سال از استقرارش با این گستره و عمق از اعتراضاتی مواجه شود که دال و کانون اصلی آن زن، زندگی و آزادی باشد، آن هم سر مساله‌ای به نام حجاب اجباری و گشت ارشاد! در نوشته‌های مکرر گفته شد که راه پایان دادن به مناقشه ویرانگر بر سر حجاب اجباری جمع شدن گشت‌های ارشاد و پرداختن به ریشه‌های این اعتراض و مقاومت است، اما هیچ گوش شنوایی در مقامات مسوول ایران برای شنیدن این هشدارها و چشم بینایی برای دیدن واقعیت‌ها وجود نداشت. البته دلیل اصلی این ندیدن‌ها و نشنیدن‌ها به شیوه حکمرانی برمی‌گردد که متاسفانه سال به سال عاملیت را از مردم گرفته است و تصور می‌کرد که با حاکمیت یکدست قادر به حل مشکلات داخلی و خارجی ایران است. اما آیا در این شرایط راه‌حلی غیر از سرکوب و بازداشت معترضان برای عبور و گذر از این مناقشه و بازگشت آرامش به جامعه وجود دارد؟

ادامه در صفحه ۲

تیتر اول

وکلا آشوبگر نیستند

رضا قدمیان

حمله به تجمع اعتراضی روز چهارشنبه گذشته وکلای محترم دادگستری، آن هم روبه‌روی کانون وکلای دادگستری مرکز که خانه و مامن صنفی ایشان است بسیار بغرنج و گران آمد. بدون تردید، این یورش به دور از نزاکت که وجهه حاکمیت و دستگاه امنیتی و قضایی کشور را به شدت مخدوش و معیوب کرد از چندین جهت محکوم و مردود است؛ حمله به یک تجمع اعتراضی که اعضای آن جملگی از افاضل و فرهیختگان جامعه هستند و خود نیک و بد را می‌دانند آن هم در زمانی که رییس دستگاه قضا از ضرورت گفت‌وگو در جامعه سخن می‌گوید خود نقض غرض و ناپسند است. ایشان حسب تکلیف اجتماعی و سوگندی که یاد کرده‌اند و با علم به حق آزادی تجمعات پیش‌بینی شده در اصول ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی، به دور از هر گونه خشونت، بدون سلاح یا اینکه در مبانی اسلام اخلالی کرده باشند، تجمع کردند؛ لیکن با ساچمه و اسلحه پینت‌بال مورد نوازش قرار گرفتند!!! اصل بیست و دوم قانون اساسی که مربوط است به حقوق ملت، بیان می‌دارد: حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند. سوال اینجاست؛ وکلایی که از هر نظر سرآمد و برگزیده جامعه هستند و خود بر قانون اشراف علمی و عملی دارند مرتکب کدام منکری شده بودند که سزاوار شماتت و هتک حرمتی آنچنانی باشند؟ مگر نه ایشان به مقتضای تکلیف و نقش اجتماعی خود نسبت به کاستی‌هایی که این روزها بر بعضی شهروندان می‌گذرد همچنین اجحافی که بر حقوق صنفی خود می‌بینند معترض بودند و این اعتراض نیز وفق اصول قانون اساسی از جمله اصل ۲۷ که تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌های بدون سلاح را مجاز دانسته، صورت گرفته است! در هفته‌های گذشته که بسیاری از معترضین دستگیر و روانه زندان شدند بسیار خانواده‌ها و وابستگان این دستگیرشدگان به وکلا مراجعه و از ایشان استمداد جستند که متاسفانه بر خلاف اصول ۳۴ و ۳۵ قانون اساسی و ماده ۱۰ اعلامیه حقوق بشر مبنی بر حق انتخاب آزادانه وکیل و برخورداری از یک دادرسی عادلانه به استناد تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری و محدودیتی که در انتخاب وکیل پیش‌بینی شده است از پذیرش وکالت متهمان ممانعت شده و حتی بعضی وکلا نیز دستگیر شدند. تا جایی که ریاست محترم اسکودا طی دو نامه مجزا به ریاست قوه قضاییه و دادستان کل کشور موارد را گوشزد کرده که متاسفانه تا به حال اقدامی و جوابی حاصل نیامده‌است.

ادامه در صفحه ۲

رسانه

اصلاح اصل ۴۴ برای صدا و سیما

احمد مازنی

اخیرا جناب آقای رییسی، رییس جمهور گفتند مقام رهبری اجازه اصلاح سیاست‌های کلی را دادند. نمی‌دانم مرادشان از سیاست‌ها چیست؟ آیا همه سیاست‌ها یا موارد خاص؟ بنا بر این از جناب رییسی انتظار می‌رود در این زمینه توضیح بیشتری برای تنویر افکار عمومی بدهند. اما یک مورد از سیاست‌های کلی که به نظر بنده نیازمند ورود جدی است، سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در بخش مربوط به رادیو و تلویزیون است. اصل چهل و چهارم قانون اساسی می‌گوید: «نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تامین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه‌آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش تعاونی شامل شرکت‌ها و موسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است. مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور شود و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است. تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می‌کند.» چنانکه ملاحظه می‌کنید در بخش دولتی نظام اقتصادی مواردی ذکر شده که در اختیار دولت است مانند «صنایع بزرگ، بانکداری، بیمه و...» اما با ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ راه برای واگذاری این موارد به بخش خصوصی هموار شد و در نتیجه بخش خصوصی توانست در بیمه، بانکداری و بسیاری از موارد انحصاری دولت سرمایه‌گذاری کند. اما یکی از مواردی که در این بند ذیل بخش دولتی ذکر شده «رادیو و تلویزیون» است که همچنان به صورت انحصاری اداره می‌شود. در حالی که می‌دانیم، به دلیل توسعه فناوری ارتباطات و اطلاعات و توانایی بخش خصوصی برای ایجاد شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی، شبکه‌های خصوصی در اکثر کشورها حتی برخی کشورهای همسایه مانند عراق و افغانستان دایر شده و دوره انحصار در این حوزه به پایان رسیده است و در نتیجه مدیریت رسانه ملی به صورت کنونی قابل تداوم نیست. البته بسیاری از صاحب‌نظران اصلاح ساختار رادیو و تلویزیون را مستلزم اصلاح قانون اساسی می‌دانند.

ادامه در صفحه ۲

جهان

عراق و ساخت و پاخت‌های پشت پرده

علی موسوی خلخالی

روز پنجشنبه رییس جمهوری جدید عراق انتخاب شد و این کشور پس از حدود یک سال بلاتکلیفی، رییس جمهوری جدید خود را شناخت. در همان روز، رییس جمهوری جدید نیز شیاع السودانی —نامزد توافقی گروه چارچوب هماهنگی که در همان روز پنجشنبه خود را به عنوان نامزد بزرگ‌ترین فراکسیون پارلمانی مجلس تثبیت کرد— را مامور تشکیل دولت جدید عراق کرد. حالا او سی روز فرصت دارد تا دولت جدید عراق را تشکیل دهد. اما آنچه روز پنجشنبه اتفاق افتاد یک اتفاق ساده سیاسی نبود؛ جدای از تنشی که میان گروه‌های سیاسی با بزرگ‌ترین جریان رقیب، یعنی مقتدی صدر وجود دارد، آنچه شاهد بودیم یک ساخت و پاخت کاملا سیاسی مطابق با انگیزه‌ها و تمایلات یک جریان سیاسی خاص بود که با توجه به منافع تنگ سیاسی خود، حتی متحدان خود را کنار و معادله جدیدی را رقم زد. در حالی که همه گروه‌های سیاسی شیعه و کرد، بر انتخاب برهم صالح به عنوان رییس جمهوری جدید عراق، توافق کرده بودند، ۴۸ ساعت قبل از موعد رای‌گیری در پارلمان، نوری مالکی با مسعود بارزانی که به آب و آتش می‌زد برهم صالح رییس جمهور نشود و حزب اتحاد میهنی کردستان را تحقیر کند و درهم بشکند، مخفیانه ساخت و پاخت کرد و پذیرفت امتیازاتی را که مسعود بارزانی این همه مدت منتظر آن بوده را از دولت جدید بگیرد در مقابل از ریبر احمد، نامزد خود برای ریاست جمهوری کوتاه بیاید، همچنین معاون رییس جمهوری آینده عراق شود. اتفاقی که بدون هیچ‌گونه هماهنگی با دیگر اعضای چارچوب هماهنگی حاصل شد و حتی هشدار بافل طالبانی که چهارشنبه شب توییت زد و نوشت، برادران چارچوب هماهنگی لطفا خیانت نکنید و تا آخر به عهدتان با کسی که تا آخر با شما بوده، پایبند باشید، نیز اثر نکرد.

تصور نوری مالکی – در چارچوب تحرکات سیاسی، نوری مالکی، یکی از ماهرترین سیاستمداران عراقی است که تنها منافع خودش را می‌بیند و برای رسیدن به منافع خودش هیچ اصول اخلاقی را رعایت نمی‌کند. نوری مالکی با ساخت و پاخت با مسعود بارزانی به تصور خود چند هدف را می‌تواند دنبال کند؛ اول اینکه سمت جدیدی در دولت جدید می‌گیرد که این باعث می‌شود نفوذ از دست رفته او در طول حدود چهار سال گذشته احیا شود. دوم اینکه چون رشید عبداللطیف، رییس جمهوری جدید، وزیر منابع آبی در دولت او بوده و همیشه از نگاه پایین به بالا به مالکی می‌نگریسته، مالکی احساس می‌کند او زیر دستش عمل خواهد کرد و...

ادامه در صفحه ۳